روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
شنبه ۲۸ مرداد ۱۴۰۲ • ۲ صفر ۱۴۴۵ • ۱۹ آگوست ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۲۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۸ • اذان مغرب ۱۹:۰۹
اذان صبح فردا ۳:۵۶ • طلوع آفتاب ۵:۲۷

روزنامه شرق

دیالوگ روز

روز واقعه - شهرام اسدی- ۱۳۷۳
راحله (لادن مستوفی): کجا رفتی؟ چه دیدی؟ بگو عبدالله... حقیقت را چگونه یافتی؟
عبدالله (علیرضا شجاع‌نوری): من حقیقت را در زنجیر دیدم،
من حقیقت را پاره‌پاره بر خاک دیدم، من حقیقت را بر سر نیزه دیدم.

• استان مازندران در شرایط خشکسالی شدید قرار گرفته، به طوری که به گفته کارشناسان سال آبی پشت سر گذاشته‌شده یکی از خشک‌ترین سال‌های آبی مازندران در ۱۰ سال اخیر بوده و شرایط جاری و بحران‌های پیش‌رو کشاورزان استان را با مشکلات زیادی روبه‌رو کرده است.
عکس: مهدی محبی‌پور/ایرنا

یاد

شباهنگی، نقاش دشت‌های رنگی

حامد ذاکر

جلال شباهنگی، هنرمند نام‌آشنای ایران، عصر روز پنجشنبه ۲۶ مردادماه در ۸۷سالگی دیده از جهان فروبست و به دیدار معبود شتافت. او طراح گرافیک، نقاش، مجسمه‌ساز، فارغ‌التحصیل دانشگاه ایالتی سن‌خوزه در ایالت کالیفرنیا آمریکا، استاد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان هنر ایران بود.

شباهنگی به «طبیعت» توجه ویژه داشت. او در طول زندگی به تماشای عمیق طبیعت نشسته و آن را خمیرمایه اصلی آثار خود قرار داده بود. گویی در رابطه‌ای دوسویه از طبیعت الهام‌های ژرف می‌گرفت و با خلاقیت بسیار جلوه‌ای نوآورانه از آن را در آثارش منعکس می‌کرد.

طبیعت شباهنگی هیچ شباهتی به طبیعت آثار هنری ایرانی پیش از او ندارد:

اول آنکه در همان نگاه نخست کمینه‌گرایی (مینی‌مالیسم) و وجود فضای مثبت و منفی در آثارش بسیار جلب توجه می‌کند. شما با دیدن آثار شباهنگی با طبیعتی مواجه هستید که بسیار ساده‌تر از واقعیت طبیعت است. گویی تمام آن معانی که او از ارتباط با طبیعت جست‌وجو می‌کند، نه در پیچیدگی و شلوغی‌های آن بلکه در سادگی و نگاهی کلی‌نگر به طبیعت به‌دست می‌آید.

موضوع فضا و منظر کویری یکی از عناصر مشخص و متمایزکننده آثار شباهنگی است. او یک نقاش مؤلف است. کویر در آثار او سنگین نیست، برعکس، یک زیبای شفاف است. از این جهت گاهی احساس می‌شود که با سنت نقاشی ایرانی هم ارتباط می‌گیرد. گویا خاک در افلاک است. هبوط و عروج در هم امتزاج یافته‌اند.

دوم طبیعت او به هیچ نقطه خاصی تعلق ندارد. تمرکز او بر خود «طبیعت» به عنوان پدیده‌ای کلان است. آثارش نه به قسمت خاصی از زیبایی‌های طبیعت اشاره دارد و نه طبیعت مصور در آثار او متعلق به مکان خاصی است.

و سوم آنکه در طبیعت شباهنگی انسان وجود دارد بی آنکه تصویر شده باشد! در مقابل تابلوهایش که ایستاده باشی خود را در دشتی وسیع با چشم‌اندازی وسیع، کلی، ساده اما گیرا می‌یابی.

نور و رنگ در آثار شباهنگی در خدمت این مضامین قرار می‌گیرند و نقش مهمی در انتقال احساس ایفا می‌کند. نقاشی‌های شباهنگی ما را به تجربه‌ای تازه از کویر دعوت می‌کنند، تجربه‌ای سرشار از آرامش و زیبایی، نرمی و گرمی. کویرهای او سرشار از لایه‌های تودرتو است که ما را به نگرشی دعوت می‌کند تا بتوان به رازهای زمین پی برد. همچنان که خود او گفت: «هرچه بیشتر در سرشت طبیعت اندیشه کردم، از خلاقیت خالق نیز بیشتر متحیر و شگفت‌زده شدم».

یادداشت

اسکل‌بودگی و غفلت از فاعلیت و عاملیت

پویا نعمت‌اللهی
دکترای علوم ارتباطات اجتماعی

یکی از مجری‌های تلویزیون در ویدئویی ۱۴دقیقه‌ای از مجری‌گری یک برنامه خاص کنار کشید.

او در این ویدئو اظهار کرد دلیل اصلی این اقدام، قطعی‌شدن حضور دو چهره دیگر در تلویزیون است. او سپس از همه مؤلفه‌های حاکمیتی (اعم از اشخاص، گفتمان‌ها، شهدا، مقامات سابق و لاحق، صاحب‌منصبان فرهنگی و رسانه‌ای و سیاسی و بزرگ‌ترین اشخاص کشور) فکت آورد تا این اقدام خود را توجیه کند.

از همان موقع که این مجری خداحافظی کرد، کاملا مشخص بود که پس از مدتی به کارش برمی‌گردد. این در حالی است که مجری رقیب، تحت فشارهای موجود، عطای بازگشت به تلویزیون را به لقای آن بخشید و انصراف داد.

اکنون سؤال این است که چرا چنین شد؟ چرا یک مجری که تا این حد در برنامه خود دست آزاد را در نقد هر شخص، جریان و تفکر دارد، ناگهان دست به انعدام خود می‌زند؟ چرا این خداحافظی مورد توجه هیچ شخصیت برجسته‌ای قرار نمی‌گیرد؟

او ضمن اشاره به «اسکل‌بودن» خودش، این تعبیر را ناظر بر حمایتش از ارزش‌های نظام می‌داند. در عین حال، به دو مجری رقیب اشاره می‌کند و آنها را به عناوین مختلف در زمره مخالفان نظم موجود دانسته و از واژه‌هایی همچون «ساکت»، «حامی اعتصابات فلان» و نظایر آن استفاده می‌کند.

آنگاه جان کلام را بیان کرده و می‌گوید اگر خودش در سمت درست و برحق ایستاده، پس هرکسی که در سمت او نیست، در سویه ناحق و غلط ماجرا قرار دارد. به بیان دقیق‌تر می‌گوید اگر «آن» درست است، پس «این» غلط است.

اینجا جوهر تفکر او کاملا آشکار می‌شود. این دوگانه‌سازی در کنار «خودبرحق‌پنداری» واقعا مایه آفت تفکر رسانه‌ای است.

رسانه‌ای که عنوان «ملی» را یدک می‌کشد، ملک طلق هیچ تفکری نیست. هزینه‌های این بنگاه رسانه‌ای از محل ثروت مشترک همه ایرانیان تأمین می‌شود و بنابراین تمام تفکراتی که در چارچوب نظام مقدس جمهوری اسلامی حضور و فعالیت دارند، باید امکان استفاده از این رسانه را داشته باشند.

اکنون که رفته‌رفته شرایطی فراهم شده تا این تفکر دوگانه‌پرداز در این رسانه تعدیل شود، عناصری از درون این رسانه سر به مخالفت برداشته و این ضدیت را نه در محافل خصوصی بلکه به‌طور علنی و آشکار فریاد می‌زنند.

این افراد بعد از دوره‌های گوناگون یکه‌تازی و حمله به هر تفکر و شخصیتی که با آن زاویه داشته‌اند، اکنون هرگونه اصلاح این رویه را برنمی‌تابند و همچنان خواستار آنتن‌های انحصاری و تک‌محورانه خود هستند.

این جسارت آخته تا این حد برایشان جذابیت دارد که هرگونه فاعلیت و عاملیت نزد هر بدیل فکری را مخل و مزاحم جولان خود برمی‌شمرند.

مدیران کشور به‌درستی به این نتیجه رسیده‌اند که گروه‌های مختلف اجتماعی در کشور دارای ارزش‌ها، رفتارها و الگوهای خاص و متفاوتی هستند. این گروه‌ها حضوری عینی در جامعه دارند و هرگونه همبستگی ملی (آن‌هم در شرایط امروز که کلیت کشور در معرض انواع و اقسام تهدیدها و مخاطرات قرار گرفته است) جز از طریق همدلی، نگاه مثبت و پذیرش این ارزش‌ها، رفتارها و الگوها حاصل نخواهد شد.

این مجری باید بداند که این گروه‌های اجتماعی که همواره مورد تحقیر، طرد، نفی و حاشیه‌رانی او و همفکرانش در رسانه ملی قرار داشته‌اند، اساسا گروه‌هایی خارج از بافت فرهنگ مسلط نبوده‌اند؛ چراکه دهه‌هاست امثال این مجری مدیریت و برنامه‌سازی در رسانه ملی را بر عهده داشته‌اند و اکنون باید با تبعات اقدامات و تصمیم‌هایشان در حوزه فرهنگ کشور روبه‌رو شوند.

ریشه پیدایش این گروه‌های اجتماعی را باید در مناسبات نابرابر قدرت میان فرماسیون‌های فرهنگی جست‌وجو کرد. سیال‌بودگی و برساختی‌بودن هویت‌ها و سبک‌های زندگی در مدرنیته متأخر را باید پذیرفت.

امروزه حتی مرزهای عضویت در گروه‌های اجتماعی نیز وجوهی از عدم قطعیت دارد و احتمالا به همین خاطر است که این مجری محترم هرگونه اشتراکات بین خود و «آن دیگری» را به همین راحتی انکار کرده و لاجرم رابطه‌ای خصمانه و تزاحمی را با آنها متصور است.

اگر خبر انصراف یکی از رقبا صحت داشته باشد، واقعا تلاش فکری در مجموعه صداوسیما برای مشارکت دیدگاه‌ها و سلیقه‌های گوناگون در حوزه برنامه‌سازی، ابتر می‌ماند و این به سود هیچ‌کس نیست.

ای‌کاش همان‌گونه که خداحافظی این مجری پس گرفته شد، متقابلا گروهی از درون همان مجموعه به دنبال پس‌گرفته‌شدن انصراف مجری رقیب باشند.

همه باید در گردونه رقابت حضور پیدا کرده و برای جذب مخاطب تلاش کنند.

امید می‌رود رسانه ملی همواره پذیرای همه گرایش‌های فکری باشد.

اتفاق

بازداشت ۱۲ نفر از فعالان زن استان گیلان

در چند روز گذشته شبکه‌های اجتماعی از بازداشت ۱۲ فعال حقوق زنان در استان گیلان خبر داده‌اند.

روز چهارشنبه ۲۵ مرداد، متین یزدانی، فروغ سمیع‌نیا، یاسمین حشدری، جلوه جواهری، زهرا دادرس، زهره دادرس، نگین رضایی، شیوا شاه‌سیاه و واحده خوش‌سیرت از فعالان حقوق زنان در شهرهای رشت، فومن، انزلی و لاهیجان بازداشت شدند.

همچنین ساعاتی بعد خبر رسید که سارا جهانی، فعال امور زنان و هومن طاهری، فعال سیاسی نیز جزء بازداشت‌شده‌ها هستند. همچنین در خبری دیگر به نقل از خانواده‌ها اعلام شد که آزاده چاووشیان، فعال حقوق زنان ساکن رشت، نیز در روز ۲۵ مرداد بازداشت شده است. همگی این افراد در منزل خود بازداشت شده‌اند و در ساعات اولیه اطلاعی از نهاد بازداشت‌کننده نبود. خانواده‌های آنان در مراجعه به دادسرای عمومی رشت و دادسرای انقلاب رشت نتوانستند اطلاع دقیقی درباره وضعیت این افراد به دست بیاورند. در این مراجعه از آنها خواسته شد که روز شنبه به دادسرا برای پیگیری مراجعه کنند.

در میان افراد جلوه جواهری، فروغ سمیع‌نیا و متین یزدانی از افراد شناخته‌شده در حوزه فعالیت برای حقوق زنان هستند. دو برادر جلوه جواهری شهید شده‌اند.

از سویی دیگر خبرگزاری تسنیم به نقل از اداره کل اطلاعات استان گیلان بدون نام‌بردن از افراد بازداشت‌شده، اطلاعیه‌ای را منتشر کرده است. در این اطلاعیه آمده است: «تیم تشکیلاتی ۱۲نفره که سابقه‌ی فعالیت‌های ضدامنیتی متعددی در اغتشاشات سال گذشته را نیز دارا است، با شناسایی و گردآوردن دیگر افراد سابقه‌دار در آن وقایع و فریب تعدادی از جوانان و متشکل‌کردن آنها، در حال فراهم‌آوردن مقدمات اغتشاش و ناامنی در سطح استان گیلان و برخی شهرستان‌های استان کردستان بود که تمام اعضای آن در روز چهارشنبه ۲۵ مرداد ماه دستگیر شدند».

هنر خوانی

لحظه پیش از خداحافظی بر روی صحنه

«لحظه پیش از خداحافظی»، عنوان جدیدترین اثر نمایشی مسعود میرطاهری است که قرار است اوایل شهریورماه در سالن مهرگان اجرا شود. میرطاهری که سال‌هاست به صورت اختصاصی روی شیوه‌های بازیگری (متد اکتینگ) کار می‌کند و آموزش می‌دهد، این نمایش را با حضور بازیگران جوان و برگزیده‌اش به روی صحنه می‌برد. این نمایش با تهیه‌کنندگی تورج لقمان‌پور روی صحنه می‌رود و نمایش‌نامه «لحظه پیش از خداحافظی» را پوپک رحیمی نوشته است. این نمایش‌نامه در شش اپیزود و با ۱۷ کاراکتر اصلی نوشته شده و داستان‌های متفاوتی درباره روابط انسان‌ها را روایت می‌کند. میرطاهری درباره جدیدترین تجربه تئاتری خود می‌گوید: «هیچ وقت نمی‌شود فهمید آدم‌ها کی و کجا مسیرشان را عوض می‌کنند. ممکن است همه آن چیزی را که فکر می‌کنی بر هم بزنند، گاهی یک حرف، یک رفتار و یک انتخاب می‌تواند داستان را عوض کند؛ اما من همیشه خواستم بهترین اتفاق را خلق کنم». گارسن، بمب‌گذاری دیسکوی قاهره، برلینگتون و... از جمله نمایش‌هایی است که مسعود میرطاهری در سال‌های اخیر آنها را کارگردانی کرده است. «لحظه پیش از خداحافظی» در حالی قرار است در خانه نمایش مهرگان (شانوی سابق) به اجرا درآید که این سالن پیش‌ازاین برای مدتی تعطیل بود؛ اما حالا قرار است با اولین شب اجرای این نمایش سالن مهرگان نیز با تغییرات جدید افتتاح و فعالیت خود را از سر بگیرد. محل جدید خانه نمایش مهرگان در خیابان انقلاب، خیابان وصال شیرازی، کوچه فرهنگی قرار دارد و با اجرای این نمایش دوره جدیدی را آغاز خواهد کرد.

یادداشت

نیکوکار معیار واسوه

مصطفی ایزدی

در میان انسان‌های گوناگونی که هرروزه با آنان سروکار داریم، افرادی یافت می‌شوند که می‌توان آنها را اسوه‌ای برای دیگرانی دانست که می‌خواهند فعالیت‌های مشابه داشته باشند. آنچه در این نوشته به آن اشاره می‌شود، سرگذشت کوتاه یک انسان نیکوکار و محبوب است که اگر آن را معیار فعالیت نیکوکاری بپنداریم، پندار گزافه‌ای نیست.

چند روز پیش در نجف‌آباد، مردی به دیار ابدیت رفت که گویی انسانی در تراز اولیاالله، خرقه برانداخته و به سوی معبود فرارفته است؛ زیرا شهر در عزایش به غم نشست و برای بدرقه پیکر پاکش آرامستان شهر به خروش آمد.

حاج علی سلیمان‌نژاد، شناخته‌شده‌ترین و پرجاذبه‌ترین نیکوکار زادگاه خود و خیریه‌دار پرآوازه استان اصفهان، در ۷۱سالگی عمر پربرکتش، محرومان و بیماران صعب‌العلاج و ناتوانان ذهنی و حرکتی و بیماران خاص را وا گذاشت و به دیار دیگر پا گذاشت. سلیمان‌نژاد انسان عجیبی بود؛ از جوانی خود را به خدمت آسیب‌دیدگان جامعه درآورد و تا پایان عمر، خویش را از وادی بسیار سخت اما ارزشمند نیکوکاری درنیاورد. پدرش حاج علی، مرد خوشنامی بود و در شغل ماست‌بندی و ماست‌فروشی فعالیت می‌کرد؛ پیشه‌ور شریفی که به عباس‌ماستی مشهور بود و مشتریان فراوان او پیوسته از حاصل زحماتش راضی بودند. به یقین، علی در کودکی شیر پاک مادر مؤمنه‌اش -بانو عصمت رستگاری- را خورده و در بزرگی نان پدر پاکدست خود را که چنین راه پاک خدمت به نیازمندان را پیموده است.

علی سلیمان‌نژاد دیپلم را که گرفت به شغل گل‌فروشی و خرازی روی آورد و سپس با تغییر شغل، به فروش ظروف استیل پرداخت، اما مردم رنجدیده را که می‌دید آرامش نداشت. از پدر، کمک به دیگران را آموخته بود؛ لذا مغازه‌داری را تاب نیاورد و پی خدمت به دیگران رفت. ۳۲، ۳۳ساله بود که با کمک دوستان مردم‌دوست، «انجمن خیریه ثامن‌الائمه نجف‌آباد» را پایه‌گذاری کرد. این انجمن در راه کمک مادی به نیازمندان و نیز رسیدگی به امور بیماران خاص گام برمی‌داشت. او در سال ۱۳۶۹ دامنه فعالیت‌های خیریه خود را باز با کمک دوستانش، به‌ویژه مهندس اسدالله ولایتی -رحمه‌الله‌علیه- گسترش داد و با تأسیس «انجمن خیریه حضرت قمر بنی‌هاشم(ع) شهرستان نجف‌آباد» یک تشکیلات نیکوکاری دامنه‌دار و بسیار فعال را بنیان نهاد. سلیمان‌نژاد برای جلب اعتماد بیشتر مردم خیر و نوع‌دوست، چند نفر از بازاریان خوشنام و یکی از روحانیون فعال در عرصه فعالیت مردمی را به یاری طلبید و آنان را با مدیریت خوب و اخلاق پسندیده‌ای که داشت، به تحرک واداشت تا کمک‌های مردمی را برای رسیدگی به امور بیماران نیازمند در شهرها و روستاهای اطراف جذب کنند. خود او فرد مورد اعتمادی بود، اما به یاری همین معتمدین شهر توانست کمک‌های مردمی فراوانی را به سوی خیریه قمر بنی‌هاشم سرازیر کند. هرکس به هر نحوی که بود به آقای سلیمان‌نژاد یاری رساند تا او بیشتر و بهتر بتواند آسیب‌دیدگان رنجور و بیماران گوناگون را تحت پوشش انجمن درآورد. آوازه این تشکیلات نیکوکاری به اصفهان رسید؛ تا جایی که خیرین این شهر بزرگ هم به حاج علی سلیمان‌نژاد اعتماد کردند و از فعالیت‌های خیرخواهانه و دامنه‌دار او اطمینان حاصل کرده، صندوق اعانات قمر بنی‌هاشم را مایه‌دارتر می‌کردند.

نکته درخور توجه اینکه بهزیستی نجف‌آباد یک مرکز توانبخشی معلولان ذهنی و حرکتی داشت که به دلایل گوناگون نمی‌توانست از عهده هزینه‌ها و رسیدگی درست به توان‌خواهان برآید؛ آقای سلیمان‌نژاد با مدیران مربوطه مذاکره کرد تا مدیریت مرکز توانبخشی شهید صدوقی را بر عهده بگیرد. مدیران بهزیستی به دلیل اینکه توانایی و قدرت لازم را در حاج علی می‌دیدند، مرکز توانبخشی خود را به وی واگذار کردند. ایشان هم با جدیت تمام و با جذب کمک‌های مردم توانست مرکز شهید صدوقی را به بهترین وجه اداره کند؛ به گونه‌ای که تمامی توان‌خواهان آن مرکز، سلیمان‌نژاد را همچون پدر خود دوست می‌داشتند. واقعیت این است که حاج علی شخصا به معلولان در مرکز بسیار محبت می‌کرد، مرتب به آنان سر می‌زد، نیازهای کوچک و بزرگ آنان را برطرف می‌کرد، آنها را به مشهد برای زیارت و گردش می‌برد و خلاصه اینکه در کنار انجمن خیریه قمر بنی‌هاشم، مرکز توانبخشی شهید صدوقی را هم با بهترین مدیریت و عالی‌ترین شیوه اداره می‌کرد.

در وصف شخصیت و منش مرحوم حاج علی سلیمان‌نژاد

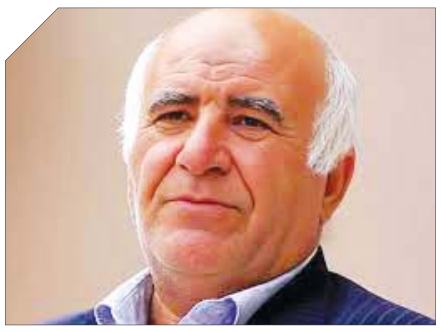

گفته‌ها و نوشته‌های زیادی شنیده و دیده شده است. راقم این سطور علاوه بر شناختی که از مرحوم سلیمان‌نژاد دارد، با سخت‌گیرترین افراد هم صحبت کرد تا بیشتر او را بشناسد. کسانی که با او حشر و نشر داشتند، آن مرحوم را انسانی بزرگ و شایسته معرفی می‌کردند.

سلیمان‌نژاد، فرد پولدار و ثروتمندی نبود که مال و منال خود را صرف کارهای عام‌المنفعه کند؛ حتی گفته‌اند در جوانی که به کسب‌وکار روی آورده بود، دنیا روی خوش به او نشان نداد، اما چند نوع دارایی شاخص داشت که آن را سرمایه موفقیتش در فعالیت اجتماعی کرده بود: ۱- تواضع و فروتنی در مقابل همه حتی در زمان شهرت و نام‌آوری‌اش. ۲ - تلاش بی‌وقفه برای خدمتگزاری بدون چشمداشت در طول نزدیک به ۴۰ سال. او برای یافتن بیماران ناتوان به همه جا سر می‌زد تا آنان را زیر پوشش انجمن قمر بنی‌هاشم یا مرکز توانبخشی درآورد. ۳- علی‌رغم داشتن دیدگاه سیاسی شناخته‌شده، با همه سلائق سیاسی رفتاری بی‌طرفانه داشت که بتواند امکانات گوناگون را برای رفع نیاز آسیب‌دیدگان جذب کند. اگر این قدرت و توانایی همگرایی -آن‌هم در شهر کاملا سیاسی نجف‌آباد- را نداشت، مخالفان فقیه عالی‌قدر نمی‌گذاشتند به فعالیتش در حوزه اجتماعی ادامه دهد. ۴ - با آسیب‌دیدگان، معلولان و درماندگان بسیار مهربان و نزدیک بود. ۵ - از مدیریت جلب اعتماد دیگران، به‌ویژه افراد توانمند مالی در حد اعلی برخوردار بود و نیز بهره‌مند از توانایی گسترش و توسعه فعالیت مجموعه تحت امر خود و نیز مدیریت نیروهای شاغل در این مجموعه بود.

با توجه به این ویژگی‌های سودمند، جمع زیادی در مراسم تشییع و یادبود او شرکت کرده و مراسم عزاداری‌های مفصلی برپا کردند. خدایش او را رحمت کند و به بازماندگانش توفیق نگهداری و ادامه‌دادن راه آن مرد بزرگ را بدهد.